

تحلیلی بر روند شاخص توسعه انسانی در استان کرمانشاه

رحمت‌اله بهرامی* - استادیار دانشگاه پیام نور، گروه جغرافیا، ایران
خلیل عطار - کارشناس ارشد اقتصاد نظری، استانداری کردستان، کردستان، ایران

دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۲۸

پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۲۵

چکیده

توسعه انسانی را می‌توان فرآیند بسط انتخاب‌ها در بستر فضای قابلیت برای دستیابی به زندگی بهتر تعریف کرد. شاخص توسعه انسانی متشکل از سه زیر شاخص: امید به زندگی، آموزش و درآمد است. مقاله حاضر در پاسخ این سؤال می‌پردازد که استان کرمانشاه در زمینه شاخص توسعه انسانی کشور در چه جایگاهی قرار دارند؟ آیا شکاف توسعه در ایران کاهش و در استان کرمانشاه رو به بهبودی بوده یا روند آن رو به فزونی نهاده است؟ روش مطالعه توصیفی - تحلیلی بوده در این تحقیق از شاخص‌های (HDI, HPI, GEM, GDI) استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد طی دو دهه گذشته شاخص توسعه انسانی در استان کرمانشاه بهبود یافته و از رقم ۰/۶۱۰ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۷۲۰ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. بر این اساس استان کرمانشاه در سطح توسعه انسانی متوسط در کشور قرار می‌گیرد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بهبود این شاخص در نتیجه افزایش امید به زندگی از ۶۴/۹ سال به ۶۹ سال و در بخش شاخص آموزشی نیز میزان باسوادی زنان و مردان از ۶۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۸۰ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. اما در بحث درآمد سرانه مطالعات نشان می‌دهد سهم درآمد خانوار استان کرمانشاه به میزان ۱۴ درصد کمتر از میانگین کل کشور بوده از این جهت در جایگاه ۲۵ کشور قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد با توجه به پایین بودن سطح درآمدها و بیکاری فزاینده در استان برنامه‌های راهبردی به منظور بهبود روند شاخص توسعه انسانی در استان کرمانشاه را می‌توان از طریق افزایش اعتبارات عمرانی در راستای اشتغال‌زایی با توجه به موقعیت ممتاز استان کرمانشاه در محور ارتباطی و تجاری با کشور عراق، همچنین توسعه صنایع وابسته به نفت با توجه به منابع نفتی فراوان در استان کرمانشاه پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، HPI, GDI, استان کرمانشاه.

۱. مقدمه

یکی از شاخص‌های مهمی که در تعیین درجه توسعه یافتگی کشورها توسط بانک جهانی استفاده می‌شود، شاخص‌های توسعه انسانی است. این شاخص، سنج‌های مناسب و یک دست برای مقایسه میزان موفقیت کشورها در دستیابی به اهداف توسعه است و به همین دلیل، برنامه‌های توسعه کشور در سطح استان‌ها با در نظر داشتن عوامل اصلی این شاخص طراحی می‌شود. از طرف دیگر اساس حرکت هر جامعه‌ای برای رسیدن به توسعه، عامل انسانی است. انسان‌ها هم عاملان توسعه و هم هدف نهایی آن هستند. به دلیل چنین اهمیتی، امروزه توسعه مردم محور در مرکز توجه بحث‌های توسعه انسانی قرار دارد. لذا بررسی ابعاد مختلف پیشرفت‌های انسانی، از قبیل اوضاع و احوال اقتصادی، فرهنگی در چارچوب توسعه پایدار یکی از ضروریات اجتناب‌ناپذیر مباحث توسعه برای هر منطقه بشمار می‌آید (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۸۵: ۲).

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ درآمد سرانه هر کشور به عنوان مبنای سنجش میزان توسعه یافتگی کشورها محسوب می‌شد. اگرچه رشد درآمد سرانه برای دستیابی به برخی از اهداف لازم است اما نمی‌تواند بسیاری از جوانب مهم زندگی بشری را تحت پوشش قرار دهد. بدین منظور کارشناسان سازمان ملل متحد به رهبری آمارتیا سن و محبوب الحق به همراه تیم ۱۱ نفری، شاخصی بنام توسعه انسانی یا HDI را به عنوان مقیاس اندازه‌گیری توسعه طراحی و معرفی کردند. در اولین گزارش جهانی توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسعه انسانی به عنوان فرآیند بسط انتخاب انسانی تعریف شده است (گزارش ملی توسعه انسانی، ۱۳۷۸: ۳۴).

یکی از نقاط قوت این گزارش مقایسه رتبه هر کشور از نظر توسعه انسانی با رتبه آن کشور از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه، امید به زندگی و باسوادی است. به این ترتیب، کارآمدی هر کشور در استفاده از منابع مالی خود برای بهبود توسعه انسانی نشان داده می‌شود (فیض زاده، ۱۳۷۸: ۱۵). از این زمان به بعد کارشناسان و محققین علوم مختلف از این شاخص استقبال نمودند (معمارزاده، ۱۳۷۴: ۱۸۵). برخی دیگر از آنها این شاخص را با ترکیب سایر عوامل بکار برده‌اند، لیکن مسأله مهم ترکیب متناسب و کیفی عوامل مورد استفاده در این ارزیابی است (حقی، ۱۳۷۱: ۱۷۷).

شاخص توسعه انسانی درصد اندازه‌گیری سه ظرفیت اساسی از قبیل: باسوادی، درآمد سرانه و امید به زندگی است. در این دیدگاه توسعه‌ای هم معیارهای کمی از قبیل رفاه اقتصادی هم معیارهای کیفی مانند امید به زندگی و سطح سواد مد نظر قرار گرفته است. از این رو شاخص توسعه انسانی با رویکردی کل‌نگر به زندگی بهتر انسان در راستای پایداری محیط زیست آن می‌اندیشد. مقاله حاضر با هدف تبیین ساختار شاخص توسعه انسانی در استان کرمانشاه و تعیین جایگاه آن در سطح کشور مورد بررسی قرار گرفته تا شناخت نسبی از وضعیت توسعه یافتگی استان کرمانشاه در سطح کشور حاصل گردد.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. مفهوم توسعه انسانی

در سال ۱۹۹۰ توسط آمارتیا سن^۱ برنده جایزه نوبل و اقتصاددان پاکستانی محبوب الحق^۲ با همکاری گوستاو رانیس^۳ استاد دانشگاه ییل و دسای^۴ استاد مدرسه اقتصاد لندن معرفی گردید. از آن زمان تاکنون این روش توسط برنامه توسعه سازمان ملل^۵ همه ساله مورد استفاده قرار گرفته است (سن، ۱۳۸۱: ۲۹). به طوری که محبوب الحق مشاور ویژه مدیر برنامه توسعه ملل متحد به همراه یک تیم ۱۱ نفره از متخصصان برجسته توسعه حاصل تلاش و مطالعات خویش را در چارچوب شاخص‌های سه گانه در گزارش فوق به جهانیان عرضه نمودند که بشدت مورد توجه قرار گرفت. با این وجود، این شاخص حداقل در چند مقطع در طی یک دهه گذشته مورد نقد و ارزیابی و اصلاح قرار گرفته است (United nation, 1999: 54). این در حالی است که چارچوب کلی آن همچنان به قوت خویش باقی مانده است و اکنون در گزارش‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی با اندکی تعدیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص توسعه انسانی (HDI) نتیجه کوششی است که به منظور رها کردن دیدگاه تولید مدار که به تولید ناخالص داخلی یا تولید ناخالص ملی تأکید دارد و جایگزین کردن دیدگاه دیگری که انسان مدار است (عباسی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۳).

توسعه انسانی به خودی خود یک هدف است و این هدف چیزی جز پرورش استعدادهای انسان نیست (آصف‌زاده، پیری، ۱۳۸۳: ۲). از گذشته دور تاکنون هدف برنامه‌ریزان، سیاست‌مدان بر این بوده که بر خوب زندگی کردن انسان تأکید داشتند. توسعه انسانی یک دیدگاه مشترک با حقوق بشر دارد. هدف آزادی انسان است و این آزادی حیاتی است. مردم در انتخاب‌های خود و مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیر بگذارد، باید آزاد باشند. از این رو توسعه انسانی و حقوق بشر متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند (UNDP, 2003). برخی بر این باورند که در توسعه انسانی چهار عنصر اساسی از قبیل بهره‌وری، برابری، پایداری، و توانمندسازی به چشم می‌خورند (بشیرزادگان و احمدیان، ۱۳۸۰: ۴). بهره‌وری، مشارکت فعال مردم در فرآیند درآمد زایی و اشتغال به شمار می‌آید. برابری به امکان مساوی کسب قابلیت‌ها و فرصت به کارگیری آنها مربوط می‌شود. پایداری، به مفهوم امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست محیطی است و توانمندسازی، نیز به این معنا است که توسعه توسط مردم صورت می‌گیرد (حسین‌زاده دلیر و ملکی، ۱۳۸۵: ۳).

در سال‌های اخیر تأکید سازمان ملل بر شاخص توسعه انسانی متفاوت بوده و بر شاخص‌هایی همچون تأمین مالی؛ آثار ابعاد جهانی توسعه و مشارکت مردم، امنیت غذایی، جنسیت، رشد اقتصادی مصرف، ریشه کنی فقر، فناوری‌های جدید و تأمین حقوق دموکراتیک انسان، از جمله محورهای اساسی در دست‌یابی به توسعه انسانی بوده است (UNDP, 2003). محبوب الحق معتقد است: هدف اساسی توسعه، افزایش انتخاب‌های مردم است. دراصل این گزینه می‌تواند

1. AmartyaSen
2. Mahbub-aL-Hag
3. GustavRanis
4. Desai
5. UNDP

بی پایان بوده و در طی زمان تغییر یابد. مردم اغلب به موفقیت‌هایی ارزش می‌دهند که در قالب شکل‌های رشد یا درآمد نشان داده نمی‌شوند و فوری به دست نمی‌آیند و دسترسی بیشتر به دانش، امنیت بیشتر زندگی، امنیت در مقابل خشونت‌های بدنی، رضایت از اوقات فراغت، آزادی‌های سیاسی و فرهنگی و حس مشارکت در فعالیت‌های جامعه ایجاد محیطی که مردم در آن از زندگی طولانی، سالم و خلاق لذت ببرند، است (UNDP, 2003).

به طور کلی شاخص‌های توسعه انسانی اصول و ضوابطی هستند که دانشمندان و محققین و متخصصان رشته‌های مختلف علوم از بین موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، برای مقایسه کشورهای جهان از نظر سطوح کمی و کیفی دستاوردهای و استانداردهای زندگی مردم در نظر گرفته‌اند (گریفتین و کنکی، ۱۳۷۹: ۴۹).

در نهایت می‌توان گفت که توسعه انسانی بر دو جنبه: اول توانمندسازی انسان در زمینه افزایش سلامتی، کسب دانش و مهارت و دیگری به کارگیری این توانمندی‌های اکتسابی در راه سازندگی، کسب آسایش و آرامش انسان، ایجاد فضای دموکراتیک برای مشارکت همه آحاد مردم تأکید دارد. برای محاسبه شاخص توسعه انسانی از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$\frac{l_{\max} - l_c}{l_{\max} - l_{\min}}$$

در این فرمول l_{\max} نشانگر بالاترین میزان امید به زندگی، l_{\min} بیانگر پایین‌ترین میزان امید به زندگی در تمام کشورهای مورد بررسی و l_c میزان امید به زندگی در یک کشور خاص است که قرار است با سایرین مقایسه شود. در سایر زمینه‌ها نیز این فرمول و برای هر معیار خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در رابطه با وضعیت سواد داریم:

$$w_1 \left(\frac{r_{\max} - r_c}{r_{\max} - r_{\min}} \right) + w_2 \left(\frac{s_{\max} - s_c}{s_{\max} - s_{\min}} \right)$$

در این شاخص:

R_{\max} = بالاترین میزان باسوادی بزرگسالان در کشور یا استان مورد بررسی.

R_{\min} = پایین‌ترین میزان باسوادی در کشور یا استان مورد بررسی.

R_c = میزان باسوادی در کشور مورد نظر است.

به همین ترتیب S_{\max} , S_{\min} و S_c نشان دهنده میانگین سال‌های تحصیل هستند.

W_1 = وزنی است که برای باسوادی در نظر گرفته شده است و معمولاً مقدار آن $2/3$ در نظر گرفته می‌شود.

W_2 = وزنی است برای سال‌های تحصیل (که معمولاً $1/3$ در نظر گرفته می‌شود).

برای محاسبه میزان درآمد نیز از شاخص زیر استفاده می‌شود:

$$\frac{y_{\max} - y_c}{y_{\max} - y_{\min}}$$

البته شاخص درآمد نسبت به بقیه اندکی پیچیده‌تر است. در واقع این طور فرض می‌شود که هرچه درآمد سرانه افزایش یابد، نقش درآمد در توسعه انسانی کمتر می‌شود. در این شاخص:

Y_{\max} = بالاترین سرانه تولید ناخالص داخلی تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی.

Y_{\min} = پایین‌ترین سرانه تولید ناخالص داخلی تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی.

Yc = سرانه تولید ناخالص داخلی تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی. در نهایت سه شاخص بیان شده که از اجزای HDI هستند، با یکدیگر جمع و بر عدد سه تقسیم می‌شود. با وجود نقاط ضعف در شاخص توسعه انسانی، سبب عرفی و ارائه شاخص‌های تکمیلی گردیده است. این شاخص‌ها، هر کدام جنبه خاصی از توسعه انسانی را مشخص می‌نمایند. شاخص فقر انسانی، شاخص توسعه مرتبط به جنسیت و شاخص توانمندسازی جنسیتی از این دسته شاخص‌ها بشار می‌روند.

میانگین سه مؤلفه مهم شاخص توسعه انسانی در مقیاسی بین صفر تا یک (صفر کمترین و یک بیشترین) محاسبه می‌شود که در هر جامعه شاخص توسعه انسانی ۰/۸ به بالا بیانگر توسعه انسانی "سطح بالا"، ارزش‌های بین ۰/۵ تا ۰/۸ نشانگر "توسعه متوسط" و کمتر از ۰/۵ روایت گر توسعه انسانی پایین است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۰:۲۳). این شاخص نشان می‌دهد که هر کشور یا منطقه تا رسیدن به مرحله تأمین نیازهای ضروری برای کلیه ساکنین خود چه مسافتی را باید طی کند. به عبارتی شاخصی است که میزان توانمندی را اندازه گیری می‌کند و نشان می‌دهد که اگر مردم سه گزینه اساسی مزبور را در اختیار داشته باشند، خواهند توانست سایر فرصت‌ها را نیز بدست آورند (فیض‌زاده، ۱۳۸۳:۲۹).

۲-۲. شاخص فقر انسانی^۱

شاخص توسعه انسانی، پیشرفت کلی یک کشور را در دست یابی به توسعه انسانی می‌سنجد ولی شاخص فقر انسانی نشان دهنده توزیع پیشرفت بوده و بقایای محرومیتی را که همچنان باقی‌انده است، اندازه گیری می‌کند. معیار شاخص فقر انسانی همان ابعاد بکار رفته در شاخص توسعه انسانی است (بختیاری، ۱۳۸۵:۱۲). این شاخص بر سه موضوع تأکید دارد:

- طول عمر (بر مبنای عدم دست یابی به سن ۴۰ سالگی در بدو تولد).
 - دانش و آگاهی (بر مبنای نرخ بی‌سوادی بالغین)
 - ارائه خدمات اقتصادی چه به صورت خصوصی و دولتی (نداشتن زندگی قابل قبول از نظر امکانات و خدمات و توانمندی‌های اقتصادی). سپس در چند مرحله یک شاخص وزنی برای شاخص توسعه انسانی محاسبه می‌شود که فرمول نهایی آن بدین طریق است:
- $$HPI = \{1/3(p31+P32+P33)\}^{1/3-1}$$
- P1 = درصدی از جمعیت استان که انتظار رسیدن به سن ۴۰ سالگی را ندارند.
- P2 = محرومیت از دانش و آگاهی (درصد بی‌سوادی بالغین).
- P3 = محرومیت از داشتن یک سطح زندگی قابل قبول از نظر امکانات و خدمات اقتصادی.

۲-۳. شاخص توانمندی جنسیتی (GEM)^۲

سنجۀ توانمندسازی جنسیتی نشان می‌دهد که آیا زنان در زندگی اقتصادی و اجتماعی نقش دارند؟ این شاخص بر مشارکت زنان تأکید دارد. در این شاخص تعداد کرسی‌های مجلس، تعداد زنان قانون‌گذار، صاحب منصبان و مدیران ارشد، کارگران متخصص و فنی زن در نظر

1. Human Poverty Index

2. Gender Empowerment Measure (GEM)

گرفته می‌شود. همچنین به نابرابری‌ها در حیطه‌های خاصی از فرصت‌ها ورد توجه قرار می‌گیرد (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۴). برای برآورد اندازه شاخص توانمندی‌های جنسیتی، شاخص‌های سرانه بالایی شاخص‌های میزان مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توان تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اجتماعی و میزان مشارکت و توان تصمیم‌گیری سیاسی و توانمندی برخوردار از امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر جمع شده و متوسط آنها به دست می‌آید.

۲-۴. شاخص توسعه وابسته به جنس (GDI)

این شاخص به بررسی دستاوردهای حاصل شده در همان ابعاد مورد نظر در شاخص توسعه انسانی می‌پردازد و از همان متغیرها استفاده می‌کند. با این تفاوت که شاخص توسعه انسانی بر جنسیت، میزان موفقیت منطقه مورد نظر در زمینه ارتقای امید به زندگی، دسترسی به آموزش و کسب درآمد بیشتر برای افراد جامعه را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخوردار از آنها را نشان می‌دهد (همان منبع). این شاخص تعدیل شده شاخص توسعه انسانی با توجه به نابرابری جنسیتی است. هرچه تفاوت‌های جنسی در توسعه پایه انسانی بیشتر باشد، شاخص توسعه وابسته به جنس نسبت به شاخص توسعه انسانی پایین‌تر خواهد بود. همچنین این شاخص مقادیر پیشینه و کمینه اندازه‌ی امید به زندگی برای مردان را به ترتیب ۸۲/۵ سال و ۲۲/۵ سال و اندازه‌های متناظر آنها برای زنان را ۸۷/۵ و ۲۷/۵ سال در نظر می‌گیرد.

۳. پیشینه تحقیق

موضوع گزارشات توسعه انسانی به دلیل ابعاد گسترده آن در مقیاس بین‌المللی هر ساله توسط بانک جهانی و در سطح منطقه‌ای توسط سازمان‌ها و نهادهای دولتی منتشر می‌شود، و همین امر مورد توجه محققین مختلف رشته‌های علوم انسانی بوده و در باره آن به صورت ملی (کشور)، منطقه‌ای (استانی) و یا بخشی (روستایی) به تحقیق می‌پردازند. شاید اغراق نباشد که مرحوم محبوب‌الحق رابه عنوان معمار گزارش‌های توسعه انسانی بنامیم. کسی که گزارش‌های ۹ ساله (۹۸-۱۹۹۰) توسعه انسانی تحت مدیریت او تنظیم و نشر گردیده است، لذا از زمانی که اولین گزارش در زمینه توسعه انسانی به چاپ رسید تاکنون ده‌ها مقاله و طرح پژوهشی در داخل و خارج از کشور انجام شده است (کریم کشته، زمانیان، ۱۳۸۳: ۳۷).

در ایران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با ارایه گزارشی با عنوان اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران جامع‌ترین مطالعه را انجام داده است براساس این مطالعه طی پنج دهه گذشته روند شاخص توسعه انسانی ایران حاکی از افزایش توسعه انسانی پایین به توسعه انسانی متوسط است (معاونت برنامه‌ریزی ربه‌رادی ریاست جمهوری، ۱۳۸۴). و اما تحقیقاتی که به صورت منطقه‌ای (استانی) انجام گرفته: کریم کشته (۱۳۸۳) در تحقیق خود در زمینه استان سیستان و بلوچستان به این نتیجه رسیده که روند توسعه انسانی رو به بهبود بوده اما از روند توسعه عمومی کشور ضعیف‌تر می‌باشد. به همین خاطر در جایگاه آخر کشور قرار دارد و این مستلزم برنامه‌ریزی و توجه ویژه‌ای از سوی دولت‌مردان را می‌طلبد (کریم کشته، ۱۳۸۳: ۵۵). در تحقیق دیگر حسین‌زاده دلیر با همکاری سعید ملکی (۱۳۸۵) در مورد استان ایلام به این نتیجه رسیده‌اند که استان ایلام در زمره استان‌های توسعه نیافته محسوب می‌شود،

پایین بودن رتبه استان ایلام در نتیجه کمبودهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پایین بودن هزینه سرانه، نرخ پس‌انداز، کمبود سرمایه‌گذاری، امید به زندگی و میزان بی‌سوادی بزرگسالان می‌داند (دلپرو ملکی، ۱۳۸۵: ۳۶). تقوایی (۱۳۸۴) در زمینه شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران تحقیقی انجام داده‌اند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی کشور از یک ناموزونی خاصی برخوردار است. در این تحقیق دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان جزو مناطق خیلی محروم و ۱۱ استان محروم، ۸ استان در حال توسعه یافته و ۳ استان توسعه یافته بوده‌اند. در این میان اختلاف نسبت توسعه‌یافتگی بین محرومترین و توسعه یافته‌ترین استان ۱۷ است. یعنی درجه توسعه یافتگی استان‌های توسعه یافته ۱۷ برابر استان‌های سیستان و بلوچستان و استان کردستان است (تقوایی، ۱۳۸۴، ۲۶).

نتایج تحقیقات صادق بختیاری و همکارانش (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که روند شاخص توسعه انسانی در سطح استان‌های کشور رو به بهبود بوده اما نابرابری‌ها همچنان ادامه دارد. به طوری که تنها ۵ استان از شاخص توسعه برتر بوده و بقیه استان‌های در سطح توسعه متوسط و محروم بوده‌اند (بختیاری و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۳). در تحقیق دیگر که در سال ۱۳۸۱ توسط آذر و غلامرضایی از طریق روش تحلیل عاملی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به منابع محدود، استان‌های محروم کشور کارایی بیشتری نسبت به استان‌های برخوردار دارند و لزوم توجه بیشتر به استان‌های محروم در برنامه‌ریزی‌ها و تخصیص منابع را آشکار می‌سازد (آذر و غلامرضایی، ۱۳۸۵، ۴۶).

نتایج تحقیقات انجام گرفته توسط محققین و برنامه‌ریزان کشور نشان می‌دهد که روند شاخص توسعه انسانی در کشور از روند رو به رشدی برخوردار بوده اما این رشد به صورت هماهنگ در بخش‌های درآمد سرانه، امید به زندگی و آموزش شکل نگرفته است. معمولاً روند توسعه شاخص امید به زندگی و مبارزه با بی‌سوادی به دلیل دسترسی به منابع آب سالم، گسترش بهداشت و درمان، همچنین گسترش مراکز آموزشی در کشور تمامی استان‌ها را پوشش داده است. اما شاخص درآمد سرانه برخلاف دو شاخص مذکور موجب شکاف بین استان‌ها گردیده و روند نابرابری‌های منطقه‌ای را بیشتر کرده است.

۴. روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و روش مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش توصیفی مبتنی بر گردآوری آمار و اطلاعات سرشماری‌های سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ جمع‌آوری شده است. همچنین از نتایج آمارهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سالنامه آماری و جستجوگرهای اینترنتی استفاده شده است. روش تحلیلی بیشتر به صورت تطبیقی بوده که جایگاه استان کرمانشاه را با استان‌های دیگر کشور مورد مقایسه قرار داده است. شاخص‌های مورد استفاده در این تجزیه و تحلیل از نوع شاخص‌های ترکیبی می‌باشد که عبارتند از: شاخص امید به زندگی، شاخص آموزشی، درآمد سرانه، شاخص فقر انسانی و شاخص جنسیتی است.

۵. یافته‌ها

۵-۱. شاخص‌های توسعه انسانی بر حسب استان

شاخص‌های توسعه انسانی که هر ساله توسط برنامه توسعه سازمان ملل منتشر می‌شود، مهم‌ترین مرجع جهانی برای ارزیابی میزان رفاه اجتماعی و متغیرهای مرتبط در جوامع مختلف به شمار می‌آید. براساس تازه‌ترین گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۹ سازمان ملل، شاخص توسعه انسانی ایران با افزایش نیم درصدی به ۰/۷۸۲ افزایش یافته و این کشور در میان ۱۸۲ کشور جهان در رتبه ۸۸ قرار گرفت (UNDP, 2009). به رغم کاهش یک پله‌ای رتبه ایران از نظر شاخص توسعه انسانی ارزش این شاخص نسبت به سال گذشته افزایش داشته است که این امر نشان دهنده افزایش توسعه انسانی در ایران طی سال ۲۰۰۷ است. ایران همچنان جزء کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط است (UNDP, 2009).

چنانچه روند شاخص توسعه انسانی کشور را بر مبنای استانداردهای بانک جهانی برای سال ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار دهیم، تنها استان تهران در گروه توسعه انسانی بالا قرار می‌گیرد و سایر استان‌ها در گروه توسعه انسانی متوسط و توسعه نیافته قرار می‌گیرند. در مقیاس منطقه‌ای هم دفتر معاونت برنامه‌ریزی راهبردی ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۵ برای اولین بار استان‌های کشور را به چهار گروه متمایز تقسیم کرد:

گروه اول استان‌های با شاخص بالاتر از ۰/۷۵۰ گروه دوم: با شاخص ۰/۷۵۰ تا ۰/۷۲۰ گروه سوم استان‌های با توسعه انسانی پایین ۰/۷۲ - ۰/۶۹ و گروه چهارم کمتر از ۰/۶۹ که شامل استان‌های خیلی محروم تقسیم بندی نمود. در نتایج این گزارش آمده است: ۴ استان در گروه توسعه انسانی بالا، ۱۳ استان در گروه توسعه انسانی نسبتاً بالا، ۹ استان در گروه توسعه انسانی متوسط و دو استان کردستان و سیستان و بلوچستان در گروه استان‌های محروم قرار گرفته‌اند. روند شاخص توسعه انسانی طی دهه گذشته نشان می‌دهد که شکاف توسعه انسانی کاهش یافته، جداول (۱) و (۲) روند توسعه انسانی کشور را در طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد. تفاوت بالاترین استان و پایین‌ترین استان ۰/۱۶ است (تهران و سیستان و بلوچستان). این وضعیت برای آمارهای دهه قبل نیز به همین صورت بوده و تغییرات قابل توجهی را مشاهده نمی‌کنیم.

این بدان معناست که اقدامات انجام شده طی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی ۵ ساله تا حدود نسبتاً کمی توانسته است شکاف عمیق بوجود آمده را مرتفع نماید، اما نابرابری‌ها به قوت خود ادامه دارد. به طوری استان تهران با ۰/۷۹ در صدر و سیستان و بلوچستان با ۰/۶۵ در پایین‌ترین رده قرار گرفته است. هرچند نمی‌توان تفاوت‌های موجود را ناشی از سیاست‌های یک مقطع زمانی خاص در نظر گرفت. چرا که تحولات ضریب توسعه انسانی بطعی و کند است و تغییر در اجزای آن به سادگی صورت نمی‌گیرد و مستلزم تلاش مستمر طولانی مدت است تا کیفیت زندگی افراد و گروه‌های مختلف تغییر کند.

جدول ۱. شاخص توسعه انسانی کشور

استان	شاخص امید بزندگی	شاخص آموزشی	شاخص درآمد	شاخص توسعه ۱۳۸۵	شاخص توسعه ۱۳۷۵
آذربایجان شرقی	۰/۷۲۶	-/۱۸۲۵	-/۵۹۹	۰/۷۱۶	-/۷۱۹
آذربایجان غربی	۰/۷۰۵	-/۸۰۵	-/۵۸۸	۰/۶۹۹	-/۶۵۰
اردبیل	۰/۷۱۷	-/۸۳۱	-/۵۶۲	۰/۷۰۳	-/۷۰۵
اصفهان	۰/۷۶۳	-/۱۸۷۷	-/۶۵۴	۰/۷۶۵	-/۷۸۹
ایلام	۰/۶۹۲	-/۱۸۶۱	-/۶۲۴	۰/۷۲۶	-/۶۷۵
بوشهر	۰/۷۲۴	-/۱۸۶۱	-/۶۴۴	۰/۷۴۳	-/۷۰۶
تهران	۰/۷۶۶	-/۹۰۹	-/۷۱۴	۰/۷۹۶	-/۸۴۲
چهارمحال	۰/۷۲۰	-/۱۸۶۶	-/۶۰۷	۰/۷۳۱	-/۶۸۲
خراسان	۰/۶۹۷	-/۱۸۶۱	-/۶۱۲	۰/۷۲۳	-/۶۹۸
خوزستان	۰/۷۳۲	-/۱۸۵۶	-/۶۲۵	۰/۷۳۸	-/۷۴۶
زنجان	۰/۷۱۰	-/۱۸۲۹	-/۵۹۶	۰/۷۱۲	-/۶۴۹
سمنان	۰/۷۴۴	-/۱۸۷۱	-/۶۰۶	۰/۷۴۰	-/۷۵۱
سیستان و بلوچستان	۰/۶۵۳	-/۱۷۸۳	-/۵۲۰	۰/۶۵۲	-/۵۴۵
فارس	۰/۷۴۱	-/۱۸۶۵	-/۶۳۶	۰/۷۴۷	-/۷۸۵
قزوین	۰/۷۴۷	-/۱۸۷۸	-/۶۶۹	۰/۷۶۵	-
قم	۰/۷۴۲	-/۱۸۶۷	-/۵۹۰	۰/۷۳۳	-/۷۹۵
کردستان	۰/۶۶۲	-/۸۱۱	-/۵۵۸	۰/۶۷۷	-/۶۱۹
کرمان	۰/۷۱۲	-/۱۸۵۴	-/۵۹۸	۰/۷۲۱	-/۷۳۹
کرمانشاه	۰/۷۰۵	-/۱۸۴۹	-/۵۷۰	۰/۷۰۸	-/۷۴۷
کهگیلویه	۰/۶۸۳	-/۱۸۶۲	-/۵۷۱	۰/۷۰۵	-/۶۲۳
گلستان	۰/۷۱۴	-/۱۸۴۲	-/۶۶۲	۰/۷۲۶	-
گیلان	۰/۷۶۶	-/۱۸۴۳	-/۶۵۱	۰/۷۵۳	-/۷۵۹
لرستان	۰/۷۰۲	-/۱۸۳۴	-/۵۷۵	۰/۷۰۳	-/۶۸۰
مازندران	۰/۷۳۱	-/۱۸۵۰	-/۶۳۴	۰/۷۳۸	-/۷۲۴
مرکزی	۰/۷۲۹	-/۱۸۵۳	-/۶۲۱	۰/۷۳۴	-/۷۵۰
هرمزگان	۰/۷۲۰	-/۱۸۳۴	-/۶۰۱	۰/۷۱۸	-/۶۹۳
همدان	۰/۷۱۴	-/۱۸۴۰	-/۵۷۷	۰/۷۱۰	-/۶۳۷
یزد	۰/۷۵۶	-/۱۸۷۱	-/۶۰۸	۰/۷۴۵	-/۷۷۸

منبع: معاونت برنامه‌ریزی راهبردی ریاست جمهوری

جدول ۲. روند رشد شاخص توسعه انسانی طی دهه گذشته

شاخص توسعه	تعداد استان/ سال		
	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵
توسعه انسانی بالا	۴	۸	۰
توسعه انسانی نسبتاً بالا	۱۳	۴	۷
توسعه انسانی متوسط	۹	۵	۷
توسعه انسانی پائین	۲	۹	۱۴
تعداد استان	۲۸	۲۶	۲۴

منبع: معاونت برنامه‌ریزی راهبردی ریاست جمهوری

۲-۵. بررسی شاخص‌های توسعه انسانی استان کرمانشاه

۲-۵-۱. نماگرهای درآمدی در استان کرمانشاه

یکی از موضوعات مهم در بررسی شاخص توسعه انسانی، بررسی چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های مربوطه آن است. به عبارت دیگر چه عواملی در پراکندگی شاخص‌های توسعه مؤثر بوده‌اند. این مسأله به ما در تخصیص منابع سرمایه‌گذاری روی هر یک از شاخص‌های فرعی کمک می‌کند.

یکی از کاربردهای اساسی شاخص توسعه انسانی روشن کردن علل تخصیص منابع سرمایه‌گذاری به منظور به بهبود ابعاد توسعه انسانی است. در این زمینه بررسی شاخص توسعه انسانی استان کرمانشاه نشان می‌دهد این استان در بین ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۸۵ رتبه ۱۹ را به خود اختصاص داده است. طی همین سال تعداد ۴ استان کشور هم وزن استان کرمانشاه بوده‌اند. این امر نشان دهنده کاهش نابرابری‌ها در سطح استان‌ها است.

شاخص درآمد سرانه وضعیت رفاه و نقش برنامه‌ریزی‌های اقتصادی جامعه را بازگو می‌کند و متأثر از برنامه‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی‌های داخلی است. شاخص درآمد سرانه به عنوان کلیدی‌ترین شاخص اقتصادی، بازتابی از وضعیت تدوین برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی طی برنامه‌های توسعه کشور است.

زیر شاخصه‌های متعددی وجود دارد که وضعیت اقتصادی را به تصویر می‌کشد. از این میان یکی از مهمترین آنها تعیین سهم استان‌های کشور در درآمد ناخالص داخلی است. نتایج نشان می‌دهد که سهم استان کرمانشاه در محصول ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱/۴ بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درآمد سرانه در استان کرمانشاه معادل ۱۸۲۴۴۰۵ ریال بوده که این رقم برای کل کشور معادل ۳۳۷۵۱۶۱ ریال می‌باشد. به عبارتی نسبت سهم درآمدی استان کرمانشاه در درآمد سرانه بیش از ۵۴ درصد کمتر از حد میانگین کشور می‌باشد. از این حیث در جایگاه ۲۲ کشور قرار دارد. در یک مقایسه تطبیقی دیگر نشان می‌دهد سهم درآمدی استان تهران معادل ۲۴/۵ درصد بوده که بیش از ۲۳ برابر استان کرمانشاه بوده است. با این وجود استان کرمانشاه از نظر جمعیتی در رتبه ۱۲ کشور اما از نظر درآمدی در جایگاه ۲۲ قرار دارد. این حکایت از آن دارد که از توان‌های محیطی استان از نظر منابع نیروی انسانی، معادن و منابع نفتی، استفاده بهینه نشده همچنین خدمات وابسته به این صنایع در استان چندان گسترش نیافته‌اند.

شاخص دیگری که به نوعی در درآمد سرانه مؤثر است، نرخ مشارکت‌های اقتصادی استان‌ها است. در سال ۱۳۸۴ نرخ مشارکت استان کرمانشاه برابر با ۳۶/۱ بوده که میانگین آن در کشور معادل ۴۱ بوده در همین سال رتبه استان ۲۶ بوده به دنبال آن در سال ۱۳۸۵ رتبه استان به ۲۷ می‌رسد یعنی نرخ مشارکت اقتصادی استان کرمانشاه در کشور ۳۵/۹ بوده و میانگین آن در کشور برابر با ۴۰/۴ بوده است. در سال ۱۳۸۶ جایگاه ۲۷ برای استان کرمانشاه تثبیت می‌گردد. از دیگر پیامدهای شکاف درآمدی که انعکاسی از ضعف برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری است، نماگر درصد بیکاری است. در این رابطه جایگاه استان کرمانشاه در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ به ترتیب برابر با: ۲۸، ۳۰ و ۲۶ بوده است (سالنامه آماری: ۱۳۸۶).

سومین شاخص تبیین وضعیت اقتصادی استان کرمانشاه از منظر درآمدی، برآورد هزینه‌های کل (خوراکی و غیر خوراکی) است. متوسط درآمد در سال ۱۳۸۵ در کشور معادل ۴۱۵۷ میلیون ریال بوده که این رقم برای استان کرمانشاه معادل ۳۸۹۴ میلیون ریال بوده است. بیشترین میزان درآمدها در استان مازندران با ۵۹۰۴ میلیون ریال و کمترین آن در استان سیستان و بلوچستان با ۲۷۶۵ میلیون ریال بوده است. در سال ۱۳۸۶ متوسط هزینه‌های استان کرمانشاه به ۴۷۱۸۰۳۲۵ ریال و برای کل کشور ۵۴۴۲۷۹۷۳ ریال بوده است. به عبارتی درآمد سرانه در استان کرمانشاه ۱۳/۴ درصد کمتر از حد میانگین کشور بوده و جایگاه استان کرمانشاه در ۱۵ کشور است (همان منبع: ۴۵۷).

به طور کلی آنچه موجب افزایش شاخص توسعه انسانی در کشور گردیده دو شاخص امید به زندگی و باسوادی است. بالعکس آنچه نابرابری‌های منطقه‌ای را شدت بخشیده، شاخص درآمد سرانه است. به طوری که در بخش درآمد سرانه سهم استان کرمانشاه معادل ۰/۵۷ و در رتبه ۲۵ کشور قرار گرفته است. همین عامل به عنوان یک متغیر اصلی در توسعه نیافتگی استان کرمانشاه به شمار می‌آید. هرچند دو شاخص دیگر یعنی امید به زندگی و باسوادی در نتیجه برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشور بوده اما نباید نقش سازمان‌های بین‌المللی در مبارزه با بیسوادی و مرگ و میر کودکان، از همه مهمتر گسترش تکنولوژی پزشکی و توسعه رسانه‌های آموزشی و رسانه‌ای در ارتقای دو شاخص بی‌تأثیر نبوده‌اند.

۵-۲-۲. نماگرهای امید به زندگی در استان کرمانشاه

یکی دیگر از نماگرهایی که در محاسبه شاخص‌های توسعه انسانی و شاخص فقر انسانی نقش مهم و کلیدی ایفا می‌نماید، نماگرهای بهداشتی و امید به زندگی می‌باشد. بهبود وضعیت سلامتی شهروندان استان کرمانشاه طی چند دهه اخیر را می‌توان یکی از دلایل عمده ارتقای توسعه انسانی برشمرد و گسترش تسهیلات بهداشتی در شهرها و روستاها از یک طرف، ایمن سازی جامعه از سوی دیگر باعث ارتقای شاخص طول عمر به تبع بهبود یافتن شاخص امید به زندگی شده است که یکی از سه عنصر اصلی شاخص توسعه انسانی می‌باشد.

براساس منابع آماری نرخ مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال در سال ۱۳۷۵ برابر با ۷۴/۳۱ در هزار تولد زنده برآورد کرده، این رقم برای سال ۱۳۸۵ به ۳۸/۴ کاهش یافته است (مرکز بهداشت استان کرمانشاه، ۱۳۸۷). علل کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و زنان در سنین باروری را می‌توان توسعه و گسترش شبکه‌های بهداشتی و درمانی، واکسیانسیون به موقع، آب سالم، تربیت نیروی انسانی و خدمات درمانی را برشمرد.

در سال ۱۳۷۵ امید به زندگی استان کرمانشاه ۶۴/۹۶ سال بوده، زنان با ۶۵/۶۳ سال و مردان با ۶۴/۳۰ سال بوده است (زنجانی، نورالهی، ۱۳۷۹: ۲۳۹). در سال ۱۳۸۵ امید به زندگی در میان مردان در بدو تولد معادل ۶۷/۶ سال بوده و برای زنان برابر با ۷۰/۴ سال و امید به زندگی برای هر دو جنس در بدو تولد برابر با ۶۹ سال برآورد شده است که مبین روند افزایش رشد سن در میان ایرانیان می‌باشد (سایت مرکز بهداشت استان کرمانشاه، ۱۳۸۸). در مقایسه با دهه گذشته بیش از ۳ سال سن امید به زندگی در استان کرمانشاه افزایش یافته است. در همین راستا بر اساس آمار دفتر معاونت برنامه ریزی راهبردی ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۵ میزان امید به زندگی در استان کرمانشاه بیش از ۷۰ سال برآورد گردیده است. با این وجود تفاوت امید به زندگی در استان کرمانشاه با استان تهران بیش از ۶ سال می‌باشد. هرچند موقعیت استان کرمانشاه در مقیاس منطقه‌ای در وضعیت نسبتاً بهتری نسبت به استان‌های همجوار خود مانند ایلام و کردستان و لرستان قرار دارد. اما در یک نتیجه کلی می‌توان گفت، رشد شاخص امید به زندگی در استان‌های حاشیه‌ای کشور همپای مناطق مرکزی کشور نبوده که این امر می‌تواند ریشه در توزیع بودجه، خدمات بهداشتی و سایر عوامل وابسته به آن سطح تغذیه، درجه رفاه و امنیت دانست.

۵-۲-۳. نماگرهای آموزشی در استان کرمانشاه

سواد و تحصیلات جایگاه ویژه‌ای را در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی به خود اختصاص داده است. زیرا انتقال اطلاعات و داده‌ها در مناطقی که ضریب باسوادی بالا باشد به سهولت و پروسه توسعه با موانع کمتری مواجه می‌گردد. تحلیل شاخص باسوادی طی سال ۱۳۸۵ از چند نظر قابل بررسی است، شاخصی که کیمیت سطح سواد را نشان می‌دهد حاکی است که جمعیت بالای ۶+ ساله در استان کرمانشاه بیش از ۸۰ درصد باسواد که از این میان ۷۴/۵ درصد زنان باسواد و برای مردان برابر با ۸۶ درصد باسواد بوده است.

یکی دیگر از شاخص‌هایی که در زمینه باسوادی استفاده می‌گردد، شاخص نسبت ترکیبی خام ثبت نام در مقاطع ابتدائی، راهنمائی، متوسطه و آموزش عالی است. داده‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ در مقاطع ابتدائی و راهنمائی نرخ ثبت نام دانش آموزان بیش از کل کشور بوده به طوری که در استان کرمانشاه باسوادان مقاطع ابتدائی و راهنمائی برابر با ۵۱/۷۲ درصد بوده در حالی که این رقم برای کل کشور برابر با ۵۰/۳۷ درصد بوده است. اما در مقطع آموزش متوسطه و آموزش عالی این نسبت کمتر شده است. به طوری که سهم باسوادان مقاطع متوسطه و آموزش عالی در استان کرمانشاه ۴۱ درصد و در کل کشور بیش از ۴۳/۵ درصد بوده است. از دلایل عمده چنین وضعیتی را می‌توان در ساختار سنتی از آن جمله ازدواج‌های زود هنگام آنها، در میان مردان ترک تحصیل این گروه سنی به منظور پیدا کردن کار و تأمین معیشت خانواده است. یکی دیگر از انگیزه‌های ترک تحصیل در این گروه سنی با این تدبیر بوده که با انجام خدمت سربازی یافتن کار آسان‌تر بوده و زودتر می‌توان معیشت خانواده را تأمین کرد. از طرف دیگر کمبود امکانات و خدمات آموزشی فنی و حرفه‌ای که می‌تواند در درآمدزایی اقشار جامعه مؤثر باشد، اشاره کرد.

جدول ۳. شاخص توسعه انسانی در استان کرمانشاه (۱۳۸۵)

شرح	سهم کرمانشاه	رتبه استان	متوسط کشور
شاخص توسعه انسانی	۰/۷۰۸	۱۹	۰/۶۴
امید به زندگی از بدو تولد	۰/۷۲	۲۰	۰/۷۳
نرخ باسوادی بزرگسالان	۰/۷۸	۱۶	۰/۷۸۵
هزینه سرانه ناخالصی	۰/۴۰	۲۵	۰/۴۱

منبع: محاسبات نویسندگان براساس اطلاعات مأخوذه از گزارش معاونت برنامه‌ریزی کشور

۵-۲-۴. نماگرهای فعالیت زنان در استان کرمانشاه

از اوایل دهه هفتاد میلادی توجه به نقش زن در توسعه جوامع و توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف توسعه و مسأله رفع عقب ماندگی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به عنوان یک اولویت در سطح جهانی پذیرفته شد. آمارهای موجود، مطالعات و تحقیقات متعدد حاکی از آن است که امروزه زنان در ایران جایگاه و منزلتی دوگانه دارند. بر اساس یافته‌های مربوط به شاخص‌های بهداشتی، آموزشی، مشارکت اجتماعی و حضور تعیین کننده سیاسی، زنان ایرانی درشرایطی به مراتب بهتر نسبت به اغلب کشورهای در حال توسعه منطقه‌ای و اسلامی قرار دارند اما واقعیت آن است که زنان ایرانی هنوز برای رسیدن به جایگاه حقیقی خود راه درازی راپیشرو دارند. یکی از علل نابسامانی در امور بانوان به ویژه طی دهه اخیر بی‌توجهی به مباحث جنسیتی در برنامه اول توسعه و کم توجهی به این موضوع در برنامه دوم توسعه بوده است. این شکاف تا حد زیادی در برنامه سوم توسعه برطرف گردیده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۳۸).

زنان و انتخابات: مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌گیری پس از انقلاب اسلامی در استان گسترش یافته است. این مشارکت در دو سطح مشارکت عمومی همچون: مشارکت در انقلاب، شرکت در انتخابات ادواری و شرکت در گروه‌ها و انجمن‌ها، شرکت در امور اجرایی و... صورت گرفته است. روند صعودی داوطلبان زن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی در حال افزایش است به طوری‌که نرخ مشارکت در شوراهای اسلامی شهر و روستا در استان کرمانشاه بیش از نرخ مشارکت زنان در کل کشور است. نرخ مشارکت در استان کرمانشاه برابر با ۲/۹۷ بوده و نرخ مشارکت زنان در کل کشور ۱/۳۶ بوده است. براساس یافته‌ها درادوار مختلف مجلس شورای اسلامی در استان کرمانشاه تعداد داوطلبان زن بسیار اندک بوده به گونه‌ای که طی چهار دوره اول انتخابات مجلس شورای اسلامی هیچ زنی کاندیدای انتخابات مجلس نبوده و فقط در انتخابات مجلس پنجم و ششم زنان فعالیت داشته‌اند اگرچه این فعالیت بسیار کم رنگ بوده اما می‌تواند نقطه عطفی در مشارکت هرچه بیشتر زنان استان در فرآیند تصمیم‌گیری و مشارکت مدنی در آینده باشد. به طوری که از میان ۸ نماینده استان کرمانشاه در دوره پنجم یک نفر آنها زن بوده است. آنچه حائز اهمیت است این که از سال ۱۳۷۶ به بعد مشارکت سیاسی زنان افزایش یافته است. اوج این مشارکت در شورای شهر و روستا بوده که تعداد زنان داوطلب ۳۰ نفر مشارکت داشته از این تعداد ۱۲ نفر آنها به شورای شهر یا روستا راه پیدا کرده‌اند.

زنان و مشارکت اقتصادی: بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار ایران ۱/۹ درصد از زنان استان کرمانشاه شاغل بوده که در سطح کشور جایگاه ۱۳ را دارد. از طرف دیگر تعداد متخصصین استان کرمانشاه معادل ۲۵۴۶۰ نفر برابر با ۲/۳ درصد جمعیت فعال بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). سطح اشتغال زنان در استان کرمانشاه بسیار ناچیز بوده و حاکی از فقدان مشارکت لازم زنان در اقتصاد استان طی دو دهه اخیر می‌باشد. از دلایل عمده رکود اقتصادی را می‌توان به بی‌سوادی زنان، جنگ تحمیلی و برخی سنت‌های فرهنگی از مهم‌ترین دلایل پایین بودن اشتغال زنان به شمار می‌آید.

جدول ۴. شاخص توسعه انسانی وابسته به جنس در استان کرمانشاه (۱۳۸۵)

شرح	کرمانشاه به درصد	رتبه استان	کل کشور
شاخص توسعه انسانی وابسته به جنس	۱۹/۲۶	۱۳	۱۷/۹۱
سهم نسبی درآمد زنان	۱۲/۵	۱۷	۸/۹
نرخ باسوادی مردان بزرگسالان	۰/۹۰	۱۸	۰/۹۱
نرخ باسوادی زنان بزرگسالان	۰/۷۷	۱۷	۸۱/۵
شاخص توانمندی جنسیتی	۱۱/۱	۱۳	۹/۲

۳-۵. روند شاخص فقر انسانی

شاخص فقر انسانی که میزان محرومیت را در سه زمینه طول عمر، تحصیلات و درآمد نشان می‌دهد. جایگاه استان کرمانشاه در سال ۱۳۷۵ برابر با ۰/۲۴۸ و در رتبه ۱۷ را کسب نموده، در سال ۱۳۸۰ سهم به ۰/۱۸۶ و جایگاه ۲۰ تنزل یافته (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸۳). چنین وضعیتی در سال ۱۳۸۵ به ۱۷/۷ و در جایگاه ۲۲ تنزل پیدا کرده است. روند شاخص فقر انسانی در مناطق شهری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۹/۱۳ درصد بوده که طی سال

۱۳۸۵ به ۱۳/۲۴ درصد کاهش یافته است. در مناطق روستایی شاخص فقر انسانی در سال ۱۳۷۵ از ۳۱/۳۴ درصد به ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. بنابراین متوسط شاخص فقر انسانی در استان کرمانشاه طی سال ۱۳۷۵ معادل ۲۵/۲۳ درصد بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۱۷/۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. با این وجود رتبه استان از میان ۲۸ استان کشور از این حیث در جایگاه ۲۲ می‌باشد.

تحلیل شاخص فقر انسانی در کشور نشان می‌دهد استان‌های حاشیه‌ای کشور به مراتب از فقر انسانی بیشتری برخوردارند بیشترین میزان فقر در استان سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، اردبیل، لرستان و کرمانشاه به ترتیب: ۲۱/۲۸، ۷۳/۶۵، ۲۰/۵۱، ۱۸/۴۳، ۱۸/۲۵ و ۱۷/۷ است. کمترین درصد فقر انسانی در استان سمنان با ۱۲/۷ و بیشترین در استان سیستان و بلوچستان با ۲۸/۶۵ درصد است میانگین فقر انسانی برای کل کشور در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۶/۵۷ درصد محاسبه گردیده است. محاسبات انجام گرفته نشان می‌دهد که متوسط درآمد خانوار شهری و روستایی استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ برابر با ۴۷۱۸۰۳۲۵ ریال بوده و متوسط کل کشور طی همین سال معادل ۵۴۴۲۷۹۷۳ ریال بوده است. این بدان معناست حدود ۱۴ درصد درآمد خانوار استان کرمانشاه کمتر از میانگین کل کشور داشته اند (سالنامه آماری، ۱۳۸۶: ۴۵۲).

جدول ۵. وضعیت شاخص فقر انسانی در استان کرمانشاه-۱۳۸۵

میانگین	رتبه	درصد	شرح
۱۶/۵۷	۲۲	۱۷/۷	شاخص فقر انسانی
۱۴	۲۱	۱۶/۵	نرخ بی سواد بزرگسالان
۱۷/۹۱	۱۳	۱۹/۳	شاخص وابسته به جنس
۱۸	۲۲	۱۹/۷	جمعیت زیر خط فقر نسبی

جدول ۶. وضعیت توسعه انسانی و مؤلفه های آن در استان کرمانشاه

ردیف	شرح	استان کرمانشاه	رتبه	متوسط کشور
۱	شاخص توسعه انسانی	۰/۷۰۸	۱۹	۰/۷۲۶
	امید به زندگی از بدو تولد	۰/۷۱	۲۰	۰/۷۳
	نرخ باسوادی بزرگسالان (%)	۰/۷۸	۱۶	۰/۷۸۵
	هزینه سرانه ناخالص (هزارریال)	۰/۵۷	۲۵	۵۸/۹
۲	شاخص توسعه وابسته به جنس	۱۹/۱	۱۳	۱۷/۹۱
	نرخ باسوادی مردان بزرگسال (%)	۰/۹۰	۱۸	۰/۹۱
	نرخ باسوادی زنان بزرگسال (%)	۰/۷۷	۱۷	۸۱/۵
۳	سهم نسبی درآمد زنان (%)	۱۲/۵	۱۷	۸/۹
	شاخص توانمندسازی جنسیتی	۱۱/۱	۱۳	۹/۲
	شاخص فقر انسانی	۱۷/۷	۲۰	۱۶/۵۷
	نرخ بیسواد بزرگسالان (%)	۱۶/۵	۲۱	۱۴
	جمعیت زیر خط فقر (%)	۱۹/۷	۲۱	۱۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

۶. نتیجه گیری

یکی از اهداف توسعه پایدار در هر کشور و منطقه جغرافیایی دستیابی به رفاه و آسایش بیشتر، جبران عقب ماندگی و کاهش آلام و بدبختی‌های و به عبارتی زندگی بهتر و برتر است. مسلماً رسیدن به چنین اهدافی نیازمند توسعه متعادل و پایدار است که در آن تمامی ابعاد و جنبه‌های توسعه به طور همزمان توجه شده باشد. از میان ابعاد مختلف توسعه، بحث انسان و منابع انسانی جایگاه منحصر به فرد و بی بدیلی دارد. چرا که از انسان هم به عنوان هدف توسعه و هم به عنوان ابزار توسعه یاد می‌شود. از این جهت شاخص توسعه انسانی از سه بعد کیفی سطح دانش، طول عمر و سطح زندگی افراد تشکیل شده و از اهمیت خاصی برخوردار است. بررسی شاخص توسعه انسانی در استان کرمانشاه نشان می‌دهد، این استان در مقیاس کشوری در سه شاخص توسعه انسانی وضعیت چندان مناسبی را ندارد. با این وجود از سه شاخص مذکور دو شاخص آموزشی و بهداشتی طی دهه گذشته از روند مطلوبی برخوردار بوده اما شاخص درآمد کمترین تأثیر بر ارتقای شاخص توسعه انسانی داشته است کاهش درآمدها از نظر اقتصاد برنامه‌ریزی مترادف با گسترش فقر و شکاف طبقاتی است، بیش از ۱۹ درصد از جمعیت استان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و این رقم بیش از حد میانگین کشوری است. به عبارتی رتبه استان کرمانشاه در این زمینه از ۲۸ استان کشور در رتبه ۲۵ است. پیامد چنین وضعیتی توأم با بیکاری، حاشیه نشینی و گسترش آسیب‌های اجتماعی است. ریشه چنین وضعیتی را می‌توان در ضعف مدیریت منابع انسانی در بازشناسی توان‌های محیطی دانست. ضعف برنامه‌ریزی‌ها مترادف با بالا بودن میزان بیکاری، فقدان اشتغال‌زایی، فقدان سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی و به دنبال آن مهاجرت و گسترش آسیب‌های اجتماعی همراه است.

رویکرد جغرافیایی به توان‌های محیطی در بخش منابع مؤید این مطلب است که با استخراج نفت می‌توان صنایع وابسته به آن مانند صنایع پتروشیمی را در استان احداث نمود. در بخش کشاورزی با توجه به تنوع شرایط اقلیمی در سطح استان می‌توان کشاورزی گلخانه‌ایی و صنعت مرغداری و دامداری را به صورت نیمه ماشینی توسعه و از این طریق با تولیدات انبوه در زمینه‌های پتروشیمی، گلخانه‌ایی و ... نه تنها می‌توان بازار داخلی را رونق داده بلکه می‌توان بخشی از تولیدات را کشور عراق صادر کرد. چنین رویکردی می‌تواند در کاهش بیکاری و توسعه اشتغال‌زایی مؤثر باشد. در بخش برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ایی می‌توان از ظرفیت‌های و پتانسیل‌های مرزی از طریق تقویت تعاونی‌های پپله وری در محورهای پاره، ثلاث، و قصرشیرین و گیلانغرب نه تنها بخشی از جمعیت بیکار را وارد بازار کرد بلکه با رونق بازارچه‌های فوق، رونقی بر فضای خدماتی، بازرگانی و تبادلاتی استان به وجود می‌آید. در کنار چنین شرایطی فرصتی برای رونق و گسترش پتانسیل‌های گردشگری بوجود می‌آید. بنابراین بازرگاری در بحث مدیریت منابع انسانی و به دنبال آن توسعه برنامه‌ریزی‌های مدون و منطقی می‌تواند نه تنها بستر بازگشت مهاجرین باز مانده از جنگ تحمیلی را به موطن اصلی تسریع ببخشد بلکه آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و بزه کاری، حاشیه نشینی و.. خود بخود کاهش می‌یابد. از همه مهمتر این که برنامه‌ریزی مشارکتی در مناطق مرزی، بالقوه ضریب امنیتی منطقه را دو چندان بالا خواهد برد.

- در یک جمع بندی کلی می توان گفت که شاخص درآمد، کمترین نقش را در ارتقای توسعه انسانی استان داشته، لازم است رویکرد برنامه ریزی در استان به سمت فعالیت های صنعتی، کاربر و خلق فرصت های درآمدزایی برای افراد جویای کار باشد. در این میان با توجه به شرایط فوق راهبردهای زیربرای افزایش توان شاخص توسعه انسانی در استان کرمانشاه پیشنهاد می شود:
- تقویت و تداوم سرمایه گذاری های دولت در زیرساخت های استان جهت توازن منطقه ای.
 - استفاده از توان های بالقوه بازارچه های مرزی در زمینه گسترش تعاونی های مرزی به منظور افزایش توان مالی مردم بالاخص مناطق مرزی کشور.
 - تقویت روحیه مشارکت های مردمی در برنامه های راهبردی و توسعه ای از قومیت ها و مذاهب با توجه به آموزه های محلی و مذهبی در استان.
 - نگاه به توسعه باید فرا قومیتی و مذهبی باشد، تا ضریب مشارکت ها اقوام و مذاهب را افزایش داد.
 - با توجه به پایین بودن سطح درآمدها به منظور ایجاد اشتغال در استان کرمانشاه، تدوین برنامه های جامع راهبردی محلی به منظور کاهش بیکاری از طریق گسترش صنایع تکمیلی، گارگاهی و.. ضروری است.
 - توجه به شاخص های توسعه انسانی بالاخص در زمینه مشارکت زنان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.
 - ارایه امکانات و خدمات بهداشتی و آموزشی به منظور ارتقای سطح امید به زندگی و کاهش بی سوادی.
 - حمایت و سرمایه گذاری مادی و معنوی دولت در زمینه های مولد اقتصادی و اجرایی نمودن برنامه های توسعه ای و راهبردی (برنامه پنجم).
 - با توجه به توان های منطقه در زمینه منابع نفتی، گسترش صنایع وابسته به در راستای اشتغال زایی.
 - ایجاد مشوق های لازم برای جذب و تجهیز سرمایه های داخلی، خارجی و بومی، به ویژه در زمینه توسعه فعالیت های کشاورزی و صنعتی.

۷. منابع

۱. آصفزاده سعید، پیری زکیه، ۱۳۸۳، مفاهیم توسعه انسانی و روند شاخص توسعه انسانی در ایران، فصل نامه طب جنوب، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بوشهر، شماره ۲۶ بوشهر، ص ۲.
۲. آذر عادل، غلامرضائی، داوود، ۱۳۸۵، رتبه بندی استان های کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده ها (شاخص توسعه انسانی)، فصل نامه پژوهش های اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲۷، تهران، ص ۴۶.
۳. بشیرزادگان، فرشاد، ۱۳۸۰، محیط زیست و توسعه پایدار، فصل نامه محیط زیست، شماره ۶، تهران، ص ۴.
۴. بختیاری، صادق، دهقانی زاده مجید و حسین پور سید مجتبی، ۱۳۸۵، بررسی جایگاه استان های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۹، تهران، ص ۱۲.
۵. تقوایی، مسعود، ۱۳۸۴، تحلیل و طبقه بندی مناطق روستایی استان های کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی، فصل نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۷۹، مشهد، ص ۲۶.
۶. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، گزارش توسعه انسانی، تهران.
۷. سن آمانیار، ۱۳۸۱، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه محمودی، وحید، چاپ اول، ناشر سازمان برنامه و بودجه، تهران، ص ۵۵.

۸. سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی، ۱۳۸۰، شاخص‌های توسعه انسانی در استان آذربایجان غربی، ارومیه.
۹. زنجانی، حبیب‌الله و نوراللهی، طه، ۱۳۷۹، جدول مرگ و میر ایران برای سال ۱۳۷۵، مؤسسه عالی پژوهش در تأمین اجتماعی، تهران، ص ۲۴.
۱۰. حقی، محمد علی، ۱۳۷۱ شاخص‌های کالبدی و طرح ریزی سرزمینی، مجموعه مقاله‌های اولین کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ص ۱۷۷.
۱۱. حسین‌زاده کریم و ملکی، سعید، ۱۳۸۵، بررسی وضعیت شاخص توسعه انسانی در استان ایلام، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شمار هشتم، مشهد، ص ۳ و ۲.
۱۲. حسین‌زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، سمت، تهران، ص ۳۶.
۱۳. روشن، احمد رضا، ۱۳۸۳، نگاهی به گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۰۳، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۱-۲۰۲، مؤسسه اطلاعات، تهران، ص ۶۱.
۱۴. عباسی‌نژاد، حسین و رفیعی، امام علینقی، ۱۳۸۵، ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۲، تهران، ص ۳۳.
۱۵. غفرانی، حسین و همکاران، ۱۳۸۲، گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳، مؤسسه فرهنگی ابن‌سینا، تهران، ص ۹۴.
۱۶. صادقی، حسین، سولماز، عبدالله حقی و عبدالله زاده، لیلیا، ۱۳۸۶، توسعه انسانی در ایران، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، تهران، ص ۲۸۳.
۱۷. فیض‌زاده، علی، ۱۳۷۸، بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های توسعه انسانی ایران و کشورهای همسایه، رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹، تهران، ص ۲۹۰.
۱۸. کریم کشته، محمد حسین و زمانیان، غلامرضا، ۱۳۸۳، بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان، جغرافیا و توسعه، شماره ۴۵، زاهدان، ص ۳۷.
۱۹. گریقین، کیث و گنلی‌تری، مک، ۱۳۷۵، تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلامرضا خوجه پور، مؤسسه عالی پژوهش و تأمین اجتماعی، تهران، ص ۴۹.
۲۰. معمارزاده، قدرت‌الله، ۱۳۷۴، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، سازمان برنامه و بودجه، ناشر مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی، تهران، ص ۱۸۵.
۲۱. مرکز بهداشت استان کرمانشاه، ۱۳۸۷، واحد آمار و اطلاعات.
۲۲. مطهری، فیروزه، ۱۳۸۲، مشارکت مردم ایران در توسعه انسانی نگاهی به گزارش دفتر عمران سازمان ملل متحد، گفتگوی شماره ۱، تهران، ص ۱۳۸.
۲۳. معاونت برنامه‌ریزی راهدی ریاست جمهوری، ۱۳۸۴، گزارش توسعه انسانی ایران، تهران.

24. UNDP, 2003, Human Development report 2003.

25. UNDP, 2007, Human Development report 2007.

26. UNDP, 2009, Human Development report 2009.

27. <http://vc-health.kums.ac.ir/familyhygienegroup-activitiesprograms-populationfamilyplanning-fa.htm>.